

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

تیمور شاه تیموری
المان – 23 سپتمبر 2012

شادی و شیر

حاکم جنگل بشدی ناگزیر
روز و شبش بود به خورد و به نوش
در سر آسوده نبودش خیال
رحم نمودی به خُرد و بزرگ
روبه پُرمردۀ افسرده ای
حامی و درمانگر بی کسان
موجب آزار من و دیگَران
آمد و با زور ز نِزدم ربود
آتشی افروخته در پیکرم
بهر خدا هرچه که دانی بکن
شاخ به شاخی بپریدی به چند
آتشی در سینۀ بیمبار داشت
خیز نمائی همه در شاخه ها
لیک به کُردار تو خنده کنم
آنچه توقع کنی آرم بسر
قدرت پنهان و عیان مرا
حاجت ازین بیش بگفتن نبود

شادی رقاصه به فُقدان شیر
حکم نمودی به طيور و وحوش
تکیه نمودی به صدر جلال
لیک به آئین شهان سترگ
وارد دربار بشد روبهی
روبه خروشید که شاه جهان
گرگ خبیثی شده در این مکان
چوچه من را که چو گلدسته بود
آمده اکنون قیامت سرم
چارۀ دردم چو توانی بکن
بوزنه ز جاست به شاخی بلند
روبه که نظاره به این کار داشت
گفت به شادی که شه پُرادا
من گله از گرگ درنده کنم
شادی بدو گفت که ای رنجبر
جُسته ای از من چو توان مرا
قدرت من بیش ز جستن نبود

هر کرا از بهر کاری ساختند نی ز بوزینه نجاری ساختند
قدرت من خیز و جستی بیش نیست رهنوردی کار هر درویش نیست
هر که ز شادی طمع شیر کرد
زود جهان رنجه و دلگیر کرد